



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق - خصوصی

مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

به وسیله‌ی
زهرا مختارنامه

استاد راهنما
دکتر سیروس حیدری

شهریور ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

اظهارنامه

اینجانب زهرا مختار نامه دانشجوی رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی گرایش حقوق خصوصی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن‌را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن‌را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: زهرا مختارنامه

تاریخ و امضاء: ۱۳۹۰/۹/۲۶

سپاسگزاری

خدا را سپاس می‌گوییم که این مرحله از تحقیق را به پایان رساندیم. از استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر سیروس حیدری در انجام این پروژه از راهنمایی‌های ایشان بهره‌فراوان برده‌ام، کمال تشکر و قدردانی را دارم. سپاس صمیمانه خود را تقدیم جناب آقایان دکتر پرویز عامری و دکتر علی اصغر حاتمی که وقت گرانبهایشان را صرف ارائه هر چه بهتر این پژوهش نمودند، می‌نمایم.

چکیده

مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

به کوشش

زهرا مختارنامه

مسئولیت مدنی امروزه در زمره‌ی دعاوی بسیار شایع بوده و حجم زیادی از دعاوی و اختلافات مطروحه در دادگاه‌ها را دعاوی مسئولیت مدنی تشکیل داده است. اشخاص حقوقی مطابق ماده ۵۸۸ قانون تجارت دارای کلیه حقوق اشخاص طبیعی هستند مگر آنچه که عقلاً برای اشخاص حقوقی امکان ندارد مثل رابطه‌ی پدر و فرزندی. در نتیجه‌ی این حقی که قانون‌گذار به این اشخاص داده، آنها در عرصه‌ی روابط اجتماعی وارد می‌شوند و ممکن است در نتیجه‌ی این ارتباط، آسیب یا خسارت‌هایی به اشخاص دیگر جامعه وارد شود. در این حالت که اشخاص حقوقی عامل ورود زیان بوده، با توجه به اینکه وجود مادی ندارد، در نتیجه امکان انتساب تقصیر و محکوم کردن وی به جبران خسارت مشکل است زیرا این اشخاص اعمالشان را از طریق ارکانشان انجام می‌دهند و در مورد مسئولیت مدنی این اشخاص باید گفت که میزان مسئولیت این اشخاص بستگی به تفسیری دارد که ما از رابطه‌ی مدیران با اشخاص حقوقی داریم. نظریات مختلفی در باب رابطه‌ی مدیران با شخص حقوقی مطرح شده که عبارتند از: نظریه وکالت، نظریه نمایندگی قانونی و نظریه رکن بودن، مدیران. چنانچه رابطه‌ی وکالت یا نمایندگی را بپذیریم، مسئولیت شخص حقوقی بسیار محدود می‌شود اما طبق نظریه رکن بودن شخص حقوقی در مقابل کلیه اعمال مدیران خود مسئول است زیرا آنها رکن و جزئی از خود شخص حقوقی هستند و خطای ایشان به منزله تقصیر شخص حقوقی است. در نهایت، شخص حقوقی می‌تواند پس از جبران خسارت زیان‌دیده، به شخص مقصر رجوع کند.

کلید واژگان: مسئولیت مدنی، شخص حقوقی، مدیر، نماینده، جبران خسارت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: مقدمه
۶.....	مبحث اول: مفهوم و انواع اشخاص حقوقی و زمان ایجاد آنها.....
۶.....	گفتار اول: تعریف شخصیت حقوقی و آثار آن
۱۲.....	گفتار دوم: ماهیت شخص حقوقی و نظریات مطرح شده پیرامون آن
۱۴.....	گفتار سوم: انواع اشخاص حقوقی
۱۶.....	بند اول: اشخاص حقوقی حقوق خصوصی
۲۵.....	بند دوم: اشخاص حقوقی حقوق عمومی
۲۷.....	گفتار چهارم: زمان تحقق شخصیت حقوقی
۲۸.....	بند اول: زمان ایجاد شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی غیر تجاری
۳۰.....	بند دوم: زمان ایجاد شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی تجاری.....
۳۲.....	مبحث دوم: امکان توجه مسئولیت به شخص حقوقی
۳۳.....	گفتار اول: مسئولیت مدنی شخص حقوقی
۳۳.....	بند اول: اشخاص حقوقی حقوق عمومی
۳۴.....	بند دوم: اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

- گفتار دوم: مسئولیت کیفری شخص حقوقی ۳۵
- بند اول: فرضیه عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ۳۶
- بند دوم: فرضیه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ۳۷
- بند سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران ۴۰

فصل دوم: مبانی و ماهیت مسئولیت مدنی شخص حقوقی حقوق خصوصی

- مبحث اول: مبانی مسئولیت مدنی شخص حقوقی ۴۳
- گفتار اول: نظریه تقصیر ۴۳
- گفتار دوم: نظریه خطر ۴۸
- مبحث دوم: مستندات قانونی و مصادیقی از رویه قضایی پیرامون مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ۵۰
- گفتار اول: مستندات قانونی مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ۵۱
- گفتار دوم: مصادق‌هایی از مسئولیت اشخاص حقوقی در رویه قضایی ۵۸
- مبحث سوم: انواع مسئولیت و ماهیت مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ۶۷
- گفتار اول: انواع مسئولیت مدنی ۶۷
- گفتار دوم: ماهیت مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ۶۹
- بند اول: ماهیت رابطه حقوقی بین مدیران و شخص حقوقی ۷۰
- الف: نظریه وکالت ۷۰

- ب: نظریه نمایندگی قانونی ۷۳
- ج: نظریه رکن بودن ۷۶
- بند دوم: مسئولیت شخص حقوقی؛ مسئولیت شخصی یا ناشی از فعل غیر ۸۳

فصل سوم: ارکان و آثار مسئولیت مدنی شخص حقوقی

- مبحث اول: ارکان ۸۹
- گفتار اول: فعل زیانبار ۹۰
- گفتار دوم: ورود ضرر ۹۲
- گفتار سوم: رابطه سببیت ۹۴
- مبحث دوم: آثار مسئولیت مدنی شخص حقوقی ۱۰۰
- گفتار اول: مسئولیت مدیران و شخص حقوقی در برابر زیان دیده ۱۰۰
- گفتار دوم: امکان مراجعه شخص حقوقی به مدیر مقصر ۱۰۴
- نتیجه گیری ۱۰۸
- فهرست منابع و مآخذ ۱۱۱

فصل اول

مقدمه

اشخاص حقوقی حقوق خصوصی مصادیقی دارند از جمله شرکت‌ها، مؤسسات غیرتجاری و موقوفات. مهم‌ترین این اشخاص، شرکت‌ها هستند که نقش بسیار مهم و پررنگی را در عرصه مسائل اقتصادی بازی می‌کنند. از بین این اشخاص حقوقی، شرکت‌ها ارتباطی بسیار عمیق‌تر و بیشتر از سایر اشخاص حقوقی با مردم دارند. مثلاً نقش شرکت‌های سهامی در توسعه و رونق اقتصادی کشورها بسیار مهم و غیرقابل انکار است. انجام طرح‌های کلان اقتصادی با سرمایه اندک افراد امری غیرممکن است و سرمایه عمده‌ای را می‌طلبد. در نتیجه شرکت‌های سهامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی مورد نظرشان نیاز به سرمایه‌ی هنگفتی دارند که این سرمایه را از جمع‌آوری سرمایه‌های اندک سهامداران به دست می‌آورند و به سرمایه‌گذاری‌های عمده اقتصادی می‌پردازند، که هیچ یک از سهامداران به صورت انفرادی قادر به انجام آن نمی‌باشند.

همه انواع اشخاص حقوقی شخصیت حقوقی جدا و مستقل از اعضای خود دارد. بنابراین حقوق و مسئولیت‌های جدا از اعضاء خواهد داشت. اما این وظیفه مقنن است که با وضع قوانین جامع اجازه سوءاستفاده از این شخص حقوقی را به افراد ندهد، چه آنکه بعضی افراد با عنوان تشکیل شخص حقوقی سرمایه‌های افراد را جمع‌آوری نموده و یا با نام یک شخص حقوقی از اعتماد اشخاص سوءاستفاده می‌کنند و در نهایت هیچ یک از آن افراد مسئولیت انجام فعالیت‌های شخص حقوقی را نمی‌پذیرند که در نتیجه اعتماد مردم نسبت به این اشخاص کم‌کم از بین می‌رود و سعی می‌کنند که در روابطشان با آنها احتیاط بیشتری بنمایند و این با هدف تشکیل اشخاص حقوقی مطابقت ندارد و مدیران اشخاص حقوقی با سوءاستفاده از عنوان شخص

حقوقی و اختیارات داده شده به آنها و به علت عدم صراحت قانونی در خصوص مسئولیت و به استناد اینکه به نام شخص حقوقی عمل کرده‌اند از مسئولیت شانه خالی می‌کنند و اعضای اشخاص حقوقی و یا سهام‌داران شرکت‌ها نیز به علت اینکه مسئولیتی بیش از سهام خود در شرکت ندارند کنترل و نظارت لازم را نسبت به اقدامات مدیران اعمال نمی‌نمایند. خلأ قانونی و عدم تبیین دقیق روابط مدیران با شخص حقوقی و سایر اعضاء توسط قانون‌گذار نیز یکی از عوامل این نابسامانی است. علیهذا باید با تضمین حقوق اشخاص ثالث افراد را تشویق به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و ایجاد ارتباط با شرکت‌ها یا سایر اشخاص حقوقی نمائیم. علاوه بر آن، دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی امروزه حجم وسیعی از دعاوی مدنی را به خود اختصاص داده است که از این تعداد عده‌ای از آنها در مورد خساراتی است که بر اثر پیشرفت و توسعه شرکت‌های بزرگ صنعتی و تولیدی به وجود می‌آید، از طرفی به اندازه همین حجم وسیع دعاوی مسئولیت مدنی نیاز به امنیت در زندگی مردم نیز بیشتر احساس می‌شود و از طرف دیگر به خاطر نقصان قوانین مربوط چه بسا افرادی از طریق تولیدات یا سیاست‌ها و فعالیت‌های این شرکت‌ها متحمل زیان شوند و در نتیجه فقدان قوانین جامعی نتوانند احقاق حق نمایند.

در کشور ما نخستین بار قانون تجارت سال ۱۳۱۱ با اقتباس از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه تصویب شد. مواد ۲۱ الی ۹۳ این قانون مربوط به شرکت‌های سهامی است. قانون‌گذار در مواد ۵۱ و ۶۱ این قانون ماهیت حقوقی رابطه مدیران و شرکت و حدود اختیارات و مسئولیت آنها را مورد توجه قرار داده است. اشکالاتی که بر این قانون وارد بود از قبیل اینکه: اولاً: عدم اختیار لازم برای اداره شرکت چون بنا بر ماده ۵۱ مدیران وکیل شرکا می‌باشند و لذا برای هر اقدامی باید اجازه شرکاء را کسب می‌نمودند.

ثانیاً: شخصیت حقوقی مستقل شرکت نادیده گرفته می‌شد و شرکت تنها از جمع سهام‌دارانی تشکیل می‌شود که مدیران وکیل آنها هستند و نه وکیل شرکت.

نارسائی‌های فوق باعث شد مقنن در صدد اصلاح و رفع این اشکالات برآید و در سال ۱۳۴۷ اقدام به تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت که متضمن ۳۰۰ ماده بود برآید. اما در این قانون نیز مبنای رابطه‌ی حقوقی مدیران و اعضای شرکت مشخص نگردید و این لایحه قانونی هم نتوانست اشکالاتی که در زمینه مسایل شرکت‌ها به عنوان یکی از مصادیق بسیار مهم اشخاص حقوقی وجود داشت را حل کند. مسائل عمده‌ای که در این تحقیق سعی در حل و توضیح آنها خواهیم داشت عبارتند از:

اولاً: آنجا که اشخاص حقوقی وجود واقعی ندارند تا خود اعمالشان را انجام دهند بلکه این ارکان آنها هستند که اعمال آنها را انجام می‌دهند، آیا می‌توان شخص حقوقی را در قبال تمامی اعمال این ارکان مسئول شناخت؟ کدام اعمال مدیران را می‌توان به شخص حقوقی نسبت داد؟ ثانیاً: اگر از اعمالی که ارکان شخص حقوقی به جای شخص حقوقی انجام می‌دهند خسارتی به وجود آید، زیان‌دیده چگونه می‌تواند جبران خسارت کند؟ به کدام یک می‌تواند رجوع کند (ارکان یا خود شخص حقوقی)؟ مسئول نهایی کیست؟

آیا می‌توان مدیران را کارگر شخص حقوقی تلقی کرد و مسئولیت شخص حقوقی را مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر دانست؟

فرضیاتی که به آنها می‌رسیم عبارتند از:

۱. اعمالی که در حدود موضوع و اهلیت شخص حقوقی باشد برای او ضمان‌آور است حتی اگر اختیارات مدیران محدود شده باشد.

۲. مسئولیت شخص حقوقی و مدیران تضامنی نیست زیرا تضامنی بودن مسئولیت استثنا است و نیاز به نص صریح قانونی یا قراردادی دارد. در این مورد قانون‌گذار اشاره‌ای به تضامنی بودن مسئولیت نکرده است.

۳. شخص حقوقی پس از جبران خسارت زیان‌دیده، می‌تواند به مدیر مقصر رجوع کند و

هزینه‌های پرداخت شده را از شخص مقصر مطالبه نماید.

در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی کتب و مقالات نسبتاً فراوان است. استادان حقوق جزا مباحثی از کتب خود را به این بخش اختصاص داده‌اند اما مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. در کتب حقوق تجارت یا مباحث مسئولیت مدنی، به ندرت مشاهده می‌شود که در این خصوص به طور تفصیلی بحثی کرده باشند بلکه تنها به طور گذرا و کلی، قبول مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی و شرکت‌ها را امری مسلم و بدیهی و مورد اتفاق تمام حقوقدانان اعلام کرده‌اند، بدون اینکه به توضیح جزئیات این موضوع بپردازند. از جمله پایان نامه‌هایی که در این خصوص نوشته شده‌اند، عبارتند از: ۱. مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی ۲. مسئولیت مدنی شرکتها.

از اهداف اصلی انجام این تحقیق، آن است که با ارائه نظرات پیشنهادی و مطالب پراکنده‌ای که در این مورد در کتب حقوقی وجود دارد، در این زمینه نقایص و کمبودهای موجود را مرتفع نموده، و با شناسایی حقوق و تکالیف اشخاص حقوقی و همچنین روشن کردن ارتباط ارکان اشخاص حقوقی با شخص حقوقی سعی در حل مسائل موجود در این رابطه را داریم.

روش تحقیق و پژوهش در این پایان‌نامه، کتابخانه‌ای است و با مراجعه به منابع موجود در کتابخانه، مثل کتب و مجلات و ... از مطالب مورد نیاز استفاده کرده، همچنین با مشاهده آراء و رویه قضایی سعی در جمع‌آوری و تدوین اطلاعات داشته است.

مطالب این پایان‌نامه در سه فصل آورده شده است. در فصل اول به کلیات و در فصل دوم به مبانی و ماهیت مسئولیت مدنی شخص حقوقی و در قسمت مبانی مسئولیت مدنی شخص حقوقی نظریاتی را که راجع به مسئولیت مدنی این اشخاص وجود دارد را بیان کردیم و در فصل سوم نیز ارکان آثار مسئولیت مدنی شخص حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین اشخاصی که در مقابل زیان دیده مسئولند را مورد بررسی قرار دادیم.

مبحث اول: مفهوم و انواع شخص حقوقی

گفتار اول: تعریف شخصیت حقوقی

شاید یکی از دشواری‌های «علم حقوق» تعریف مفاهیم و پدیده‌های حقوقی باشد زیرا در این دانش بیشتر مفاهیم، ماهیاتی که واقعیت عینی داشته باشند و قابل تحلیل به جنس و فصل باشند، نیستند. از این رو، تعریف حقیقی از این مفاهیم امکان‌پذیر نیست. «شخصیت حقوقی» نیز از جمله این مفاهیم است و لذا با ذکر ذات و عرض آن نمی‌توانیم به تعریف و توصیف این مفهوم بپردازیم. لیکن تعریف لفظی و توضیح مفهوم اصطلاحی آن امری است ممکن و نافع به ویژه که این اصطلاح دارای دو کاربرد است در یک کاربرد برای نشان دادن اهلیت و صلاحیت خاص انسان به کار می‌رود و در دیگری برای نشان دادن شایستگی و اهلیت موضوعاتی غیرانسانی و استقلال شخصیت آنها از شخصیت‌های حقیقی (انسان) مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

قانون‌گذار ما در هیچیک از قوانین تعریفی از شخص حقوقی یا شخصیت حقوقی به عمل نیاورده گرچه که در قوانین و مقررات مختلف به بررسی حقوق و تکالیف آنها می‌پردازد و لذا حقوق دانان با توجه به دیدگاه و نظر خود به تعریف این مورد پرداخته‌اند. عواملی برای تشکیل شخص حقوقی لازم است که از آن جمله‌اند:

افراد انسانی و مصلحتی که باعث شود آن افراد موضوع حق و تکلیف قرار گیرند و قانون آنها را به رسمیت بشناسد.^۲ این گروهی که دارای یک شخصیت حقوقی هستند منافع مشترکی دارند و این منافع مورد حمایت رسمی است و مخصوص آنهاست و به کلی از منافع سایر افراد

^۱ - محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی، نشر دانا، ۱۳۷۳، ص ۶۹.

^۲ - محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۱، ص ۱۲۳.

متمايز است و از لحاظ حقوقی آن گروه حکم یک جمعیت واحد را دارند.^۱

باید این واقعیت را پذیرفت که آنچه به عنوان اراده شخص حقوقی مثلاً شرکت‌ها یا مؤسسات گفته می‌شود در واقع همان اراده‌ی اداره‌کنندگان سازمان شخص حقوقی است که بر طبق مقررات و اساسنامه مربوط به گروه صلاحیت دارند که به نام شخص حقوقی تصمیم بگیرند اراده‌ی یک شرکت یا موسسه در واقع عبارت است از تصمیماتی که به وسیله مقامات رسمی آن شخص حقوقی با رعایت تشریفات و مقررات به نام آن شخص حقوقی گرفته می‌شود، همچنین اراده حزب یا سندیکا در واقع عبارت از تصمیماتی است که مقامات رسمی حزب یا سندیکا می‌گیرد ماده ۵۸۹ ق. تجارت نیز به همین نکته اشاره دارد که می‌گوید: تصمیمات شخص حقوقی به وسیله‌ی مقاماتی که به موجب اساسنامه یا قانون صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.^۲

پژوهشگران و نویسندگان از شخص حقوقی تعاریف مختلفی ارائه دادند که از آن جمله‌اند: «در اجتماع برخی گروه‌ها، جمعیت‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها مانند اشخاص طبیعی دارای شخصیت حقوقی‌اند. در اصطلاح حقوق این قبیل گروه‌ها، جمعیت‌ها و مؤسسات را که دارای شخصیت حقوقی هستند و از لحاظ حقوقی وجودی جدا از تشکیل دهندگان خود دارند شخص حقوقی یا معنوی می‌نامند و در حقوق فرانسه به آنها «اشخاص اخلاقی» و در حقوق انگلستان «شخص حقوقی» می‌گویند.^۳

در تعریفی دیگر آمده است که «شخص حقوقی از اجتماع و تشکل و همبستگی افراد انسانی یا اشخاص حقیقی به منظور انجام مقصد و هدفی اعم از انتفاعی یا غیرانتفاعی تحت شرایط و مقررات قانونی به وجود می‌آید.»^۴

^۱ - منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۷۸.

^۲ - محمدجواد صفار، پیشین، ص ۷۶.

^۳ - منوچهر طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۲۷۷.

^۴ - حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۳۲.

تعریف فوق‌الذکر و تعریفی که آقای کریم کیائی در کتاب حقوق تجارت بیان داشته‌اند^۱ هر دو ناقص به نظر می‌رسد و جامعیت ندارد چرا که برخی از مصادیق شخص حقوقی مثل موقوفه از جمع شدن پاره از اموال در کنار هم شکل می‌گیرد و افراد انسانی در آن دخیل نیستند.

در تعریفی دیگر آمده است که: «شخص حقوقی عبارتست از دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاص اختصاص داده شده و قانون آنها را طرف حق می‌شناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل است مانند دولت، شهر، دانشگاه، انجمن‌ها و موقوفات»^۲ این تعریف شامل اموالی که دارای شخصیت حقوقی می‌باشند نیز می‌شود و نیز شناسایی این اشخاص توسط دولت را به عنوان یک رکن تلقی نکرده. البته در حقوق سایر کشورها پیدایش شخص حقوقی را منوط به شناسایی آن از طرف قانون‌گذار کرده‌اند و در تعریف آن گفته شده: «شخص حقوقی یک شخص تصنعی یا وجودی قانونی است که به وسیله‌ی قوانین و مقررات دولتی یا در بعضی موارد به وسیله شخص حقیقی ایجاد می‌شوند»^۳ حال در جهت روشن شدن مفهوم شخصیت حقوقی می‌توان گفت: شخصیت یک نوع وصف و شایستگی برای دارا شدن حقوق و تکالیف است و اگر این وصف و قابلیت ذاتی، همزاد، همراه و ملازم با شخص باشد در این صورت صلاحیت مزبور را که قانون مدنی از آن به «اهلیت» تعبیر نموده است، می‌توان به شخصیت حقوقی تفسیر نمود و دارنده آن را شخص حقیقی نامید که تنها مصداق منحصر به فرد آن انسان زنده‌ای می‌باشد که از حیات مستقل برخوردار است در عوض اگر این حالت و وصف ذاتی شخص نباشد بلکه قانون‌گذار یا خردمندان یک جامعه آن را برای موجودی اعتبار نموده باشند و در نتیجه قابلیت سلب و انفکاک از آن موجود را داشته باشد در این صورت چنین شخصیتی را شخصیت حقوقی و دارنده آن را

^۱ - ایشان بیان می‌دارند: شخص حقوقی عبارت از شخصیتی است که به وسیله‌ی شخص یا اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی بوجود می‌آید و می‌تواند دارای همه نوع دارایی و حقوق و تکالیف و اعمال آنها جز آنچه که مختص فرد انسان است، بشود.

^۲ - حسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، مدرسه عالی حسابداری، ص ۵۲.

^۳ - Black, Henry compbell, Black laws Dictionary, west publishing co, p 307.

«شخص حقوقی» می‌نامند. این شخصیت مصادیق متعددی دارد و شامل هر موضوعی غیر از انسان زنده واجد حیات مستقل می‌باشد که صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف را داشته باشد. بنابراین شرکت‌ها، موقوفات دولت، مؤسسات عمومی از نظر علم حقوق واجد این صلاحیت شناخته شده و لذا به عنوان شخص حقوقی معرفی شده‌اند.^۱ یکی از حقوقدانان خارجی شخصیت حقوقی را این‌گونه تعریف کرده: «در علم حقوق شخصیت حقوقی یا شخصیت به طور اختصار به معنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنهاست».^۲

در نزد برخی از حقوق‌دانان شخصیت حقوقی معنایی برابر با موجودیت و ماهیت شخص دارد و شخصیت حقوقی را به معنای عام کلمه به دارنده‌ی حقوق اعم از انسان یا جمعیت و یا مؤسسه اطلاق نموده‌اند. بر این اساس، شخصیت حقوقی مفهومی کلی دارد و نباید به دسته‌ی خاصی از اشخاص باز گردد.^۳ دکتر حسن امامی که در زمره معتقدان به این تحلیل است شخصیت حقوقی را عبارت از قابلیت در انسان به شمار می‌آورد که به واسطه‌ی آن بتواند در جامعه دارای تکلیف و حق قرار گیرد و آن را به واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید. بنابراین در اصطلاح علم حقوق شخص حقوقی به کسی گفته می‌شود، که بتواند دارای حق گردد و عهده‌دار تکلیف و آن را اجرا کند و حق و تکلیف چون از موضوعات حقوقی است آن وضعیت موجود را در شخص شخصیت حقوقی می‌گویند.^۴

با ملاحظه‌ی ویژگیهای شخصیت حقوقی و نیز تعاریف داده شده در این رابطه می‌توان این نهاد را این‌گونه تعریف کرد: «شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف مستقل را دارد.»

^۱ - محمدجواد صفار، پیشین، ص ۸۰.

^۲ - Gabriel. Marty & P. Raynaud: Droit civil. P 479.

^۳ - منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری، ج ۳، ص ۳۴.

^۴ - حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۱۵۰.

در این تعریف مجموعه اموال و اشخاص به عنوان عنصری محوری به کار رفته است. زیرا که تصور تشکیل شخصیت حقوقی به صرف وجود مالی بدون وجود اشخاص و یا عکس آن تصویری باطل نیست. برای نمونه در مورد وقف و به ویژه از نوع عام، اشخاص عنصر تشکیل دهنده وقف به شمار نمی‌آیند. در مقابل مؤسسات با اهداف فرهنگی، خیریه و ... ممکن است صرفاً متشکل از اشخاص و بدون سرمایه تأسیس گردند. از جمله اصول مهم و مشترک اشخاص حقوقی اصل تخصص است معنی این اصل این است که هر شخص فقط می‌تواند در حدود صلاحیت قانونی یعنی درباره اموری که به موجب قانون و یا بر طبق اساسنامه جزء اختیارات اوست اقدام و عمل نماید. تنها استثناء در این باره دولت است که صلاحیت مطلق دارد و حق دارد در تمام امور مداخله نماید، اما مثلاً یک شرکت بازرگانی که به موجب اساسنامه خود برای اشتغال به تجارت در داخل کشور تأسیس و تشکیل شده نمی‌تواند به تجارت در خارج از کشور بپردازد مگر اینکه اساسنامه خود را با آن منطبق کند یا مثلاً انجمن دفاع از حیوانات نمی‌تواند برای دفاع از کودک در دادگستری طرح دعوا کند زیرا این انجمن صرفاً برای حمایت از حیوانات تشکیل شده است. باید دانست علت وجودی هر شخص حقوقی هدف و موضوع خاص آن است و برای همین هدف است که قانون‌گذار به او شخصیت حقوقی داده است. وقتی شخص حقوقی از موضوع و تخصص خود خارج می‌شود و اعمال مغایر و مخالف با وظایف رسمی خود را انجام دهد در واقع وجود خود را نفی کرده است و می‌توان ادعا کرد که شخص حقوقی به انحلال خود دست زده است مضافاً اینکه شخص حقوقی مرکز منافع معین است. تأمین این منافع ایجاب می‌کند که شخص حقوقی منحصراً در راه هدف خود گام بردارد و از اشتغال به فعالیت‌های غیرمتجانس که منطبق با موضوع و هدفش نیست خودداری نماید. اصل تخصص و صلاحیت یکی از اصول مهم حقوقی است و ضمانت اجرای آن بطلان اعمال شخص حقوقی می‌باشد. در حقوق خصوصی مؤسسات تجاری و غیرتجاری باید حتماً موضوع معین داشته

باشند، قانون مؤسسين و تشكيل دهندگان مؤسسات مزبور را مكلف مي‌نمايد كه موضوع مؤسسه خود را صراحتاً معين و حدود وظيف و اختيارات آن را مشخص سازند. همين‌طور در حقوق عمومي اشخاص حقيقي تابع اصل تخصص‌اند. هر شخص عمومي موضوع معين و مشخص دارد و فقط مي‌تواند در امور وظيف مربوطه مداخله كند و در امور خارج از تخصص و صلاحيت خود حق مداخله ندارد مثلاً شهرداري كه به منظور اداره امور شهري تاسيس گرديده فقط مي‌تواند در حدود وظيف اقدام كند. قانون شهرداري مصوب ۱۳۳۴ مقرر مي‌دارد: در صورتی كه انجام فعاليتها با قوانين موضوعه تناقض پيدا كند يا خارج از حدود اختيارات انجمن باشد استاندار يا فرماندار به انجمن تذكر مي‌دهد كه در تصميم متخذه تجديد نظر نمايند، چنانچه انجمن در رأي خود باقي بماند مي‌تواند به وزارت كشور مراجعه نمايد و رفع اختلاف را بخواهد. وزارت كشور ظرف ۱۵ روز نظر خود را اعلام مي‌نمايد. اين نظر قطعي و لازم‌الاجراست. اجراي مصوبات انجمن كه مورد اعتراض واقع شده تا صدور رأي نهايي متوقف مي‌ماند» (ماده ۴۸ قانون شهرداري)^۱.

شناسايي يا اعطاي شخصيت حقيقي به يك گروه يا جمعيت داراي آثار و نتايج حقيقي زير است:

۱- نمايندگي تمام اعضاي گروه - و آن اين است كه گروه يا جمعيت بتواند بوسيله‌ي تشكيلاتي كه دارد بنام خود عمل كند و اقدامات و عمليات او مثل اين باشد كه به نمايندگي از طرف تمام اعضا جمعيت يا مؤسسه صورت گرفته است، مثلاً اموالي بنام خود خريداري و يا خانه‌اي را اجاره كند و يا بنام خود قراردادي را با اشخاص منعقد سازد. بالاجمال مانند اشخاص طبيعي وارد زندگي حقيقي گردد.

۲- تفكيك دارايي و حقوق و تكاليف - و آن اين است كه جمعيت يا مؤسسه به عنوان

^۱ - محمود تيموري، «ماهيت شخصيت حقيقي و نظريات مرتبط با آن»، دانش‌پژوهان، شماره ۹ زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۲.

شخص حقوقی دارائی مخصوص و حقوق و تکالیف جدا و ممتاز از دارایی و حقوق و تکالیف اعضا خود داشته باشد، بطوریکه طلبکاران هر یک از اعضا و طلبکاران جمعیت دارای وثیقه واحد نباشند.^۱

نباید تصور کرد که اعطا شخصیت حقوقی به گروه یا جمعیتی فقط به نفع اوست بلکه در اغلب موارد این امر بیشتر به نفع اشخاص ثالث است. زیرا اشخاص ثالث مثلاً در یک معامله به جای اینکه با تک تک اعضای گروه طرف معامله قرار گیرند با یک شخص روبرو می‌شوند و به علاوه، اگر گروه یا جمعیت فاقد شخصیت حقوقی باشد، هر یک از اعضا آن به آسانی می‌توانند زیر بار تعهدات گروه شانه خالی کنند و آنرا مربوط به خود ندانند در حالیکه این امر با بودن شخصیت حقوقی گروه امکان ندارد بنابراین شخصیت حقوقی مانند شمشیر دولبه است و همان اندازه که برای جمعیت و شخص حقوقی امتیاز محسوب و سبب تسهیل کار وی می‌گردد به نفع اشخاص ثالث نیز می‌باشد و سبب می‌شود افراد به جای ایجاد روابط حقوقی با اشخاص متعدد با یک شخص طرف رابطه حقوقی قرار گیرند.^۲

گفتار دوم: ماهیت شخص حقوقی و نظریات مطرح شده پیرامون آن

از آنجائی که اشخاص حقوقی ساخته بشرند و خودبه‌خود به وجود نیامده‌اند پیرامون ماهیت حقوقی این اشخاص اختلاف نظر وجود دارد. دو نظر عمده در این باره ابراز شده: ۱. نظریه وجود واقعی، ۲. نظریه وجود فرضی و مجازی. هر دو این نظریه‌ها تحت تأثیر عقاید سیاسی و حاکمیت دولت قرار دارند و با توجه به نقش و میزان تأثیر حاکمیت در وجود این اشخاص با یکدیگر متفاوت هستند.

^۱ - منوچهر طباطبائی مؤتمنی، مقاله "شخصیت حقوقی" مندرج در کتاب تحولات حقوق خصوصی زیر نظر دکتر کاتوزیان، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸، ص ۲۲۸.

^۲ - همان.